

کوشه‌ای از ویژگی‌های جامعه مدنی در عصر پیامبر (صلی الله علیه و سلم)

The status of civil society during the time of the Prophet (PBOH)

DOI: 10.64104/v4.Issue7-8.n3.2019

پوهاند عبدالاحد مسلم^۱

چکیده

حضرت رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم) از ابتداء بعثت خصوصاً در نخستین روزهای زندگی خویش در مدینه منوره در صدد آن بود تا یک جامعه نمونه و ممثل ارزشهای انسانی و اخلاقی را به میان آورد؛ تا با نهادینه ساختن این ارزشها قیادت بشر را در مسیر خدا جویی و پیمودن جاده سعادت برای همیشه به عهده بگیرد. روی همین ملحوظ بنای مسجد نبوی به حیث مرکز فرماندهی واحد برای رهبری جامعه، عقد پیمان اخوت میان مهاجرین و انصار، عقد پیمان همبستگی اسلامی میان مسلمانان و هم چنان پیمان همزیستی مسالمت آمیز با یهود را ایجاد کرد که این همه، میتواند بر این مدعا گواه واقعی باشد. در این میان محوری که بحث ما بر آن متمرکز است، ویژه گیهای جامعه مدنی آنروز گار است که در پیمان اخوت میان مهاجرین و انصار وضاحت کامل دارد. بدون شک اگر مسلمانان امروز بتوانند ارزشهای جامعه مدنی مدینه منوره را چون عقیده واحد، ایثار وفداکاری، محبت و صمیمیت، تأمین عدالت اجتماعی و... الگوی زنده گی شان قرار داده و با پیاده کردن این فضایل ایمانی و اجتماعی در زنده گی خود، به سمت یک جامعه فاضله حرکت نمایند، تمام گمشده های شانرا از قبیل: عزت و کرامت، رهبری و قیادت دنیا، آزادی و خود مختاری، ادای رسالت دینی و بالاخره کسب رضای پروردگار را در یافته و جنت برین نیز از ایشان استقبال خواهد نمود.

واژگان کلیدی: عصر نبوی، جامعه مدنی، انصار، مهاجرین، عقیده

^۱ عضو کادر علمی دپارتمنت تفسیر و حدیث پوهنځی تعلیمات اسلامی پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، abdulahad.muslim1@gmail.com

الحمد لله نحمده و نستعينه ونستغفره و نؤمن به و نتوكل عليه و نعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سيئات اعمالنا ، من يهد الله فلا مضل له و من يضل فلا هادي له و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمداً عبده ورسوله ، الذي أرسله شاهداً و مبشراً و نذيراً ، و داعياً إلى الله باذنه و سراجاً منيراً ، و حُطِّي بالنيل إلى أعلى درجة الأسوة الحسنة لمن كان يرجو الله و اليوم الآخر و ذكر الله كثيراً .

اولین ستونی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در برنامه بزرگ اصلاحی و تنظیمی خود برای امت و دولت داری درست بر آن تکیه کرد، ادامه دعوت به توحید و برنامه بر اساس هدایت قرآنی و ساختن مسجد بود و بعد از آن، ایجاد پیمان برادری میان دو گروه مسلمان یعنی انصار و مهاجرین بود که گام مهم در راه استحکام معنویات به شمار می رفت و اهمیت آن از گام نخست؛ یعنی، ساخت مسجد کمتر نبود تا بدین وسیله جامعه مدنی اسلامی، یکپارچه ، متحد و دوستانه ی ایجاد شده نشانه های ساختار جدید آن روشن گردد.

پایه و اساس اولی گذاشته شد، برادری بین مسلمانان از آغاز دعوت در دوران مکی سرچشمه گرفت و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از تمامی اموری که منجر به ایجاد تنفر و عداوت میان مسلمانان می شد، نهی می کرد؛ چنانکه فرمود: (لا تَبَاغُضُوا، وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ يَلْتَقِيَانِ فَيَعْرِضُ هَذَا، وَيَعْرِضُ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ) (16).

«با یکدیگر دشمنی و بغض نورزید و حسد مکنید و به یکدیگر پشت ننمایید و بندگان خدا و برادر باشید و برای هیچ مسلمانی جایز نیست که بیش از سه روز از برادرش قطع رابطه کند، هنگامیکه با هم روبرو میشوند، این به یک طرف رو می گرداند و این به طرف دیگر و بهترین آنها کسی است که به سلام آغاز کند».

همچنین فرمود: "الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ وَمَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَاتٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ" (17).

«مسلمان برادر مسلمان است؛ بر او ستم نمی کند و او را به دشمن نمی سپارد و هرکس نیاز برادر مسلمانش را برآورده سازد، خداوند نیاز او را برطرف می کند و هر کس مشکلی را از مسلمانی دور نماید، خداوند اندوه و مشکلات روز قیامت او را دور می نماید و هرکس عیب مسلمانی را بپوشاند، خداوند روز قیامت عیب او را خواهد پوشاند».

اما موضوع این بحث، برادری مخصوصی است که مشروع گردیده، دارای ویژگی ها است ممتاز و بر آن حقوق و وظایفی همچو محبت، ایثارگری و از خود گزری، کمک و مساعدت و... محول گردیده است که از حقوق، واجبات و وظایف عمومی میان همه مؤمنان خاص تر است.

ایجاد نظام برادری میان مهاجرین و انصار در پیوند محکمی که امت را با یکدیگر مرتبط می ساخت، تأثیر بسزایی گذاشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) این ارتباط را براساس برادری کامل میان آنها برقرار کرد. پیمانی که نژاد پرستی و تعصبات جاهلی در آن ذوب می شود و از بین می رود بنابراین، دیگر هیچ تعصبی جز برای اسلام وجود ندارد و امتیازاتی که بر اساس نسب و رنگ و وطن وجود داشت، در مقابل آن فاقد ارزش شد و حق تقدم از آن کسی گردید که از دیگران در تقوا و جوانمردی پیشی می گرفت. رسول خدا این برادری را بر پایه های محکمی استوار نمود و هرگز یک لفظ و سخن بی محتوا نبود؛ بلکه عملی بود که پیوندی محکم و ناگسستنی با قلب و وجدان داشت و واین پیمان تبریک و سخن خوشی یا

دلگرمی نبود که تنها زبانها ذکرش کنند و اثری نداشته باشد؛ بلکه عواطف ایثار و همدردی و محبت با یکدیگر در این برادری در می آمیخت و جامعه جدید را با زیباترین صورت تشکیل می داد.

عامل اصلی و مهم در تقویت برادری میان مهاجرین و انصار، به عنوان نخستین تمثیل کننده گان جامعه مدنی اسلام، این بود که همه بر اساس دین و عقیده گرد هم جمع شده بودند. آنها را دین و ایمان شان پرورش داده بود؛ دینی که آنها را از دل و جان پذیرفته بودند تا بگویند و عمل کنند؛ پس آنها از شعارهایی که جز از زبان فراتر نمی رود، بسیار فاصله داشتند.

ویژگی های جامعه مدنی در عصر پیامبر (صلی الله علیه وسلم)

بدین ترتیب حضرت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) همواره تلاش نمود تا آنده ارزشهای انسانی را که در بطن جهالت و بربریت دفن گردیده بود، دوباره احیاء نماید و جامعه مدنی را پایه ریزی کند که در نوع خود بی مثال و در تمثیل ارزشهای انسانی و مدنی، تاریخ آنها تکرار نکرده باشد، اینک به ذکر بعضی از ویژگی های جامعه مدنی در دوران زنده گی حضرت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در مدینه منوره می پردازیم تا باشد مسلمانان امروز به تأسی از آن، بار دیگر به قله های بلند شرف و عزت و مجد و عظمت اولی برگشت نموده والگوی خوبی برای دیگران قرار گیرند:

عقیده مشترک

جامعه مدنی که پایه و اساس آن را اسلام تشکیل می داد، جامعه ای عقیدتی بود که با اصول و قواعد اسلام مرتبط بود و دوستی در چارچوب این اصول زمانی ارزش داشت که برای کسب رضای خدا و پیامبرش و برای مؤمنان می بود و این بالاترین نوع ارتباط و پیشرفته ترین آن است؛ بخاطری که چنین امری به یگانگی عقیده و فکر و روح مرتبط می شود.

دوستی نمودن برای کسب رضایت خداوند و پیامبرش و برای مؤمنان از مهم ترین آثار و پیامدهای مکتب فکری پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بود و کتاب هدایت بخش او مسلمانها را بر این مفاهیم والا تربیت می نمود، صاحب کتاب مقدس بیان نموده است که پسر نوح گرچه از خاندان نبوت بود، اما وقتی دوستی دیگران را برگزید و از حق فاصله گرفت و به خدا کفر ورزید و از پیامبر خدا پیروی نکرد، از خانواده نوح شمرده نشد؛ چنانکه خداوند متعال فرموده است :

(وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، قَالَ يَأْتُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ) (هود، 45 - 46).

«نوح پروردگار خود را به فریاد خواند و گفت پروردگارا! پسر من از خاندان من است و وعده تو راست است و تو داورترین و دادگرتین دادگرانی. فرمود: ای نوح! پسر تو از خاندان تو نیست؛ او (دارای) عمل ناشایست است. (بنا براین) آنچه را از آن آگاه نیستی، از من نخواه. من تو را نصیحت می کنم که از نادانان نباشی.»

اسلام، دوستی خاصی را به ارمغان آورده است و این دوستی و برادری را فقط در میان مؤمنان منحصر نموده است تا آنها با تمام معنا با یکدیگر دوستی نمایند؛ چنانکه پروردگار متعال فرموده است :

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (حجرات، 10).

«قطعاً مؤمنان برادران همدیگرنند؛ پس میان برادران خود صلح برقرار کنید و از خدا ترس داشته باشید، تا بر شما رحم شود.»

سید قطب رحمه الله می گوید: «این خطاب، جماعت مسلمان در مدینه را مخاطب قرار می دهد، اما هر گروه مسلمانی که در هر گوشه ای از زمین باشد تا روز قیامت مخاطب این فرمان است، مؤمنان در آن وقت به خاطر این مناسبت مخاطب

این ندا قرار گرفتند که برخی از مؤمنان در مدینه به طور کامل و قاطع از برخی اهل کتاب، به ویژه یهود، جدا نشده بودند و قطع رابطه نکرده بودند، روابط دوستی و پیمان، روابط اقتصادی و تعامل و روابط همسایگی میان آنها و اهل کتاب برقرار بود و همه اینها با توجه به وضعیت تاریخی و اجتماعی در مدینه قبل از اسلام بین عربهای اهل مدینه نسبت به یهودیان طبیعی بود ... و این وضعیت به آنان فرصت می داد تا نقش خود را در توطئه کردن برای این دین و پیروان آن با انواع مکرهایی که برای آن برنامه چیده بودند و از بسیاری آن، نصوص قرآنی پرده برداشت، بازی کنند پس قرآن نازل شد تا آگاهی لازم را برای شخص مسلمان در معرکه و نبردی که با عقیده اش وارد آن می شود و برنامه جدیدش را در واقعیت زنده گی اجرا نماید، بدهد و در ضمیر و وجدان پیرو آن جدایی کامل میان او و میان هر کس که به جماعت مسلمان منتسب نیست و زیر پرچم ویژه آن قرار نمی گیرد، پدید آورد. این جدایی، گذشت اخلاقی را از بین نمی برد؛ بلکه این صفت همیشگی مسلمان است؛ بلکه دوستی را از بین می برد، منظور آن دوستی ای که در قلب مسلمان جز برای خدا و پیامبرش و مؤمنان ایجاد نمی گردد و نماد جامعه مدنی در اسلام نیز همین است (15).

اصحاب و یاران پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) دریافته بودند که آنها فقط می بایست با رهبرشان دوستی بورزند و عقیده خویش را خالص نمایند و برای اعتلای کلمه الله جهاد نمایند؛ پس آنها همه این موارد را در وجود خود محقق نمودند و زنده گی خود را بر این اساس منطبق نمودند و این موارد را اجرا کردند؛ پس آنها دوستی خود را خالص و از آرایشها پاک گردانیده و آن را برای خدا و پیامبرش و مؤمنان خاص نمودند، تاریخ آنها سرشار از مواضع زیبایی است که بر این دلالت می نماید و میتوان گفت آنها فهم عمیقی از موضوع ولاء و دوستی که به آنها بخشیده شده بود تا صرف دین و عقیده و برادران و پروردگارشان نمایند، داشته اند.

بنابراین، عقیده اسلامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از سوی خداوند آورده بود، ستون فقرات برادری را تشکیل می داد. روی این اساس که اسلام، همه مردم را در مصاف عبودیت، خالص برای خدا یکی قرار می داد (بدون اینکه هیچ امتیازی به جز امتیاز تقوا و عمل صالح را در نظر بگیرد) پس نباید انتظار داشت که برادری و همکاری و ایثار میان مردمانی حاکم شود که افکار و عقیده های مختلفی آنها را پراکنده کرده است؛ و هر یک از آنها برده و امیر هوا و هوس و امیال و تکبر خود باشد (8).

محبت در راه خدا

برادری براساس محبت در راه خدا از قوی ترین پایه ها و پشتوانه ها در بنای امت اسلام است و هر گاه این پایه سست شود، کیان امت اسلام از هم می پاشد و از بین می رود (14).

بنابراین، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) کوشید تا مفاهیم دوستی برای خدا را در جامعه جدید اسلامی، محکم و ریشه دار سازد؛ چنانکه فرموده است:

«يَقُولُ اللَّهُ - عز وجل - يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيْنَ الْمُتَحَابُّونَ بِلَا لِي؟ الْيَوْمَ أُظِلُّهُمْ فِي ظِلِّي يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلِّي» (19).

«خداوند در روز قیامت می گوید: کجا هستند کسانی که به خاطر من با همدیگر دوستی می کردند؛ امروز آنان را زیر سایه خود جای می دهم؛ روزی که سایه ای جز سایه من وجود ندارد» (1).

همچنین فرمود:

«قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ، وَالْمُتَجَالِسِينَ فِيَّ، وَالْمُتَرَاوِرِينَ فِيَّ، وَالْمُتَبَاذِلِينَ فِيَّ». رَوَاهُ مَالِكٌ. وَفِي

رَوَايَةُ التِّرْمِذِيِّ، قَالَ: "يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: الْمُتَحَابُّونَ فِي جَلَالِي لَهُمْ مَنَابِرُ مِنْ نُورٍ يَغْبِطُهُمُ النَّبِيُّونَ وَالشُّهَدَاءُ" (18).

«خداوند فرموده است: محبت من برای کسانی که برای رضای من با یکدیگر دوستی می نمایند، واجب شده است و کسانی که به خاطر من با هم پیوند خویشاوندی و برادری را برقرار می دارند، سزاوار محبت من هستند. همچنین محبت من برای کسانی که در راه من برای یکدیگر خرج می کنند، واجب گشته است. اینها بر منبرهایی از نور قرار دارند که پیامبران و صدیقان و شهیدان به آنها رشک می برند» (12).

پس رهنمودهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) اصحاب و یارانش را بر دوستی و همبستگی و همکاری و احترام به یکدیگر تشویق می نمود. از این رو ثروتمند خود را بالاتر از فقیر نمی دانست و حاکم بر محکوم برتری نمی جست و قوی نیز خود را از ضعیف بالاتر قرار نمی داد و بدین صورت دوستی برای خدا در جامعه جدید مدینه، اثر مهمی بر جای گذاشت.

خیرخواهی میان کسانی که برای خدا برادر شده اند

از جمله مواصفات خوب و عالی دیگری که در جامعه مدنی در اسلام دارای ارزش بالایی است خیرخواهی و مواسات به شمار میرود. بدون شک مواخات و برادری در میان مهاجرین و انصار در مدینه اثر مهمی در ایجاد خیرخواهی مسلمانان با یکدیگر داشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) بین سلمان و ابودرداء، پیمان برادری بست. سلمان به دیدار ابودرداء رفت و همسرش را در حالتی مشاهده نمود که لباسهای کهنه و قیافه نامناسبی دارد. سلمان گفت: تو را چه شده است؟ گفت: برادرت ابودرداء نیازی به دنیا ندارد. سپس ابودرداء آمد و برای او غذایی درست کرد و به سلمان گفت: بخور؛ زیرا من روزه هستم. سلمان گفت تا تو نخوری من نمی خورم. سلمان می گوید: پس او غذا خورد، وقتی شب شد ابودرداء بلند شد که نماز بخواند. سلمان گفت: بخواب پس او خوابید. سپس خواست بلند شود و نماز بخواند گفت: بخواب وقتی که شب به آخر رسید، سلمان گفت: الان بلند شو و نماز بخوان؛ سپس سلمان گفت: پروردگارت بر تو حقی دارد و جان و وجودت بر تو حقی دارد و خانوادهات بر توحقی دارد؛ پس به هر صاحب حق، حقش را بده. ابودرداء نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) آمد و جریان را برایش بازگو کرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمود: سلمان راست گفته است (2).

انصار با برادران مهاجر شان پیمان موالات بستند و شاهد این مطلب این است که آنان را بر خود ترجیح دادند و این گواهی بر صدق محبت و قدرت ایمان شان است، یقیناً خیرخواهی و همکاری های بی دریغ انصار تأثیر شگرفی بر نفوس مهاجرین گذاشته بود، از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت شده که گفت: "عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَتِ الْأَنْصَارُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَقْسَمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ إِخْوَانِنَا النَّخِيلِ، قَالَ: «لَا» فَقَالُوا: تَكْفُونَا الْمَثُونَةَ، وَنَشْرَكُكُمْ فِي الثَّمَرَةِ، قَالُوا: سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا" (3).

ترجمه: «از ابوهریره روایت است که: انصار به نبی اکرم صل الله علیه وسلم گفتند: درختان خرما را میان ما و برادران مهاجرمان، تقسیم کن. رسول الله صل الله علیه وسلم فرمود: «خیر». سپس، انصار به مهاجرین گفتند: شما در آن (باغها) بجای ما کار کنید ما نیز شما را در محصولات آن، شریک خواهیم کرد. مهاجرین گفتند: این پیشنهاد را می پذیریم».

ایثار و فداکاری

هیچ ارزشی را نمیتوان بدون ایثار و فداکاری حفظ کرد، بنا بر این در اندیشه اسلامی حفظ ارزشهای جامعه مدنی بدون ایثار و فداکاری برای یکدیگر ممکن نیست. چنانچه قبلاً تذکر یافت از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که انصار به

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) گفتند: درختان خرما را میان و ما برادران ما تقسیم کن. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) نپذیرفت. انصار گفتند: شما کار کنید و ما شما را در میوه‌ها شریک می‌سازیم. گفتند: پذیرای این امر هستیم (3). این حدیث مبارک بیانگر این مطلب است که انصار به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) پیشنهاد کردند که اموالشان را میان آنها و برادران مهاجرشان تقسیم کند، اما پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) نپذیرفت و اراده نمود تا اقدامی انجام دهد که هم با مهاجرین احساس همدردی نماید و هم حقی از انصار با از دست رفتن اموالشان ضایع نگردد؛ پس انصار به مهاجرین گفتند: شما کار آبیاری و رسیدگی به درختان را انجام دهید و ما شما را در ثمر و میوه آن شریک می‌کنیم. وقتی این را گفتند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) این رأی را از آنجا که نیاز مهاجرین را برآورده می‌نمود و هم باری از دوش انصار برمی‌داشت، آن را پذیرفت و تأیید کرد و همه گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم (10).

ارزش های انسانی بی نظیر

از خلال روابط محکمی که میان مهاجرین و انصار در مدینه به عنوان اعضای جامعه مدنی آن روزگار وجود داشت، ارزشهای انسانی و اجتماعی و مبادی نمونه‌ای پدید آمد که در جامعه قبیله‌ای آن زمان سابقه‌ای نداشت؛ اما بعد از آن، این روابط و ارزشها مربوط به جوامع پیشرفته و متمدن شد که در مقدمه این ارزشها، می‌توان ارزش کار شرافتمندانه به عنوان وسیله‌ای برای کسب روزی را نام برد. مهاجرین در ابتدای کار، میزبانی برادران انصار خود را پذیرفتند، اما دیری نگذشت که به دنبال منبع درآمد برای خود برآمدند و نخواستند با پیوند برادری با انصار باری بر دوش آنان باشند. از این رو برخی به تجارت و برخی به کشاورزی و صنعت مشغول شدند و آنها از سختیهای کار لذت می‌بردند؛ و در پرتو این عملکرد اسلامی می‌توانیم ادعا نماییم که برادری و کار و تلاش، دو سنگ اساسی در بنای جامعه مدینه بود و بعد از آن پایه‌های تأسیس تمدن اسلامی شمرده می‌شود که اصول آن در مدینه بعد از برپایی اولین دولت در اسلام به رهبری پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم) پی‌ریزی گردید؛ سپس این دولت رشد کرد تا اینکه درختش بر تمام جهان سایه گسترانید (9).

تأمین عدالت اجتماعی

اسلام همواره کوشیده است تا نابرابری های اجتماعی را از میان برداشته و تمام انسانهای ساکن در یک جامعه به عنوان اعضای جامعه مدنی، بر مبنای احترام متقابل، ادای وجایب و حصول حقوق شان زند-گی نمایند. حال آنکه از بین بردن تفاوتها و نابرابریهای جغرافیایی و قبیله‌ای در جوامع جاهلی کار آسانی نبود؛ زیرا نژادپرستی و تعصب پایه و اساس تمامی امور آنان بود، ولی انعقاد پیوند برادری به هدف از بین بردن این همه تمایزها و تفاوتها برخاسته از قلب محیط جاهلی انجام شد که به تدریج عدالت اجتماعی را به عنوان یک اصل مهم و پایه اساسی جامعه مدنی در آن روزگار طرح ریزی نمود. انسان مسلمان وقتی احساس کند که برادرانی دارد که او را دوست دارند و او نیز آنها را دوست دارد و آنها را یاری خواهد کرد و آنها او را یاری خواهند کرد به خصوص در بحراناها و وقتی که زمین با وجود فراخی اش بر او تنگ گردد، این احساس نه تنها روحیه معنوی او را بالا می‌برد؛ بلکه موجب بالا بردن قدرت و توانایی ذاتی او نیز می‌گردد و به حرکت او قوت می‌بخشد و همت و اراده او را محکم می‌نماید. اما فقدان چنین برادری‌ای باعث تضعیف صفوف مسلمانان می‌گردد و مسلمان را گرفتار چنان یاسی میکند که احساس می‌نماید در برابر دشمنانی که کاملاً دشمنی او را در دل دارند و از هر سو او را احاطه کرده‌اند، تنهاست؛ پس چگونه می‌تواند در مقابل این همه فشار روحی و معنوی و مادی مقاومت نماید (13).

اخوت و یکپارچگی

از جمله ویژگیهای جامعه مدنی اسلامی و عوامل قدرت معنوی، فعالیت برای تربیت افراد براساس اسلوب و شیوه تربیت الهی و ساختن قیادت های ربانی و مبارزه با اسباب تفرقه و چنگ زدن به اصول وحدت و یکپارچگی است که مهم ترین اصول وحدت و یکپارچگی عبارت اند از: وحدت عقیده؛ انتساب صادقانه به اسلام؛ تلاش و اندیشیدن برای یافتن حق و محقق نمودن اخوت و برادری واقعی میان مسلمانان.

یقیناً اصل بزرگی که وحدت و قدرت و همبستگی را محقق می نماید، تحقق بخشیدن اخوت اسلامی میان اقشار مختلف اهل اسلام است.

برادری هدیه ی الهی است که خداوند به بنده گان مخلص و برگزیده و پرهیزگار که دوستان و لشکریان او هستند، می بخشد و ارزانی می دارد؛ چنانچه می فرماید:

(وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (انفال، 63).
و در میان آنان الفت ایجاد کرد. اگر همه آنچه در زمین است، صرف می کردی نمی توانستی میان دلهایشان انس و الفت برقرار سازی، ولی خداوند میانشان الفت انداخت؛ چراکه او عزیز و حکیم است.

قدرت ایمانی احساس عمیقی در ضمیر مسلمان ایجاد می نماید که در برابر هر کسی که عقیده توحید و برنامه جاودان اسلام، وی را با او پیوند می دهد و مرتبط می سازد، عاطفه ای صادقانه، محبت و دوستی، احترام و اعتماد متقابلی را احساس می نماید و آنچه را که این احساس به دنبال دارد و مستلزم آن است، ایثار و مهربانی و گذشت و تسامح و همکاری و همیاری می باشد و این اخوت، ملازم با ایمان خواهد بود.

شیرینی و حلاوت ایمان را کسی احساس می کند که این برادری با قلبش آمیخته شود؛ چنانچه پیامبر خدا (صلی الله وعلیه وسلم) فرمود:

«ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بِهِنَّ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ: مَنْ يَكُنِ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَمَنْ يُحِبُّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَمَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ إِلَى الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَذَّفَ بِهِ فِي النَّارِ» (20).

«سه چیز در وجود هر کس باشد، شیرینی ایمان را خواهد چشید: اینکه خدا و پیامبرش را از همه کس و همه چیز دوست تر داشته باشد؛ دوم اینکه شخص را فقط برای خدا دوست بدارد و سوم اینکه همان طور که برای او ناگوار است که در آتش انداخته شود، بازگشت به کفر را همانند آن ناگوار بداند» (4).

داشتن فضایل انصار مدینه

انصار مدینه که در تشکیل جامعه مدنی اسلامی نقش تعیین کننده را ایفاء می نمودند، دارای فضایل زیادی بودند که برخی از آن فضایل را متذکر می شویم:

❖ نامیده شدن آنها به این اسم:

خدا و پیامبرش آنان را به این دلیل انصار نامیدند که بر اسلام بیعت کردند و مؤمنان را جای دادند و دین خدا و پیامبرش را یاری کردند (7).

❖ خداوند آنها را مؤمنان حقیقی نامید و فرمود:

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ) (انفال،

«بی گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد نموده‌اند و همچنین کسانی که پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند، حقیقتاً ایشان مؤمن و با ایمانند و برای آنان آمرزش و روزی شایسته است.»

❖ پروردگارشان به آنها مژده داده که از آنان خشنود و راضی است:

(وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) (توبه، 100).

«پیشگامان نخستین مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی راه ایشان را پیمودند، خداوند از آنها خشنود است و ایشان هم از خدا خشنودند و خداوند برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخهای آن) رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آن می‌مانند، این است پیروزی بزرگ.»

❖ خداوند آنان را جزو رستگاران قرار داده و فرموده است:

(وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (حشر، 9).

«آنانی که پیش از آمدن مهاجرین، خانه و کاشانه خود را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند و در درون احساس نیاز نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجرین داده شده است و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هر چند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از بخل نفس خود نگاهداری و مصون گردند، ایشان قطعاً رستگارند.»

❖ چندی از احادیثی که از شاهکارهای انصار سخن گفته‌اند عبارتند از:

- دوست داشتن انصار علامت ایمان است و دشمنی با آنها نشانه نفاق است. از براء بن عازب (رضی الله عنه) روایت است که گفت: از پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم) شنیدم که فرمود: «انصار را کسی جز مؤمن دوست نمی‌دارد و از آنها بغض و نفرت نخواهد داشت مگر کسی که منافق است؛ پس هرکس آنها را دوست بدارد، خداوند او را دوست می‌دارد و هر کس با آنها بغض داشته باشد، خداوند او را دوست نمی‌دارد و از او متنفر است» (5).

- هر کس آنها را دوست بدارد این سعادت را به دست می‌آورد که خداوند او را دوست می‌دارد و هرکس آنها را دوست نداشته باشد، این شقاوت بهره‌او می‌شود که خداوند او را دوست نخواهد داشت. از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «هر کس انصار را دوست بدارد، خداوند او را دوست می‌دارد و هر کس با انصار بغض و کینه داشته باشد، خداوند او را ناپسند می‌دارد» (11).

- گواهی به پاکدامنی و بردباری آنها: عفت و صبر دو اخلاق خوب و شایسته هستند که بر اصالت نژاد و کمال جوانمردی کسی دلالت می‌کنند که دارای این خصلت‌های شایسته باشد و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در حق انصار گواهی داد که دارای این دو خصلت هستند. چه شهادت بزرگی و چه شاهد بزرگواری! چنانکه از عایشه (رضی الله عنها) روایت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «زنی که در میان خانه دو انصاری اقامت کند، هیچ آسیبی به او نمی‌رسد، یا (فرمود) گویا میان دو پدر اقامت نموده است» (12).

- علاقه مندی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در انتساب به انصار: از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول خدا فرمود:
- «لَوْلَا الْهَجْرَةُ لَكُنْتُ امْرَأً مِنَ الْأَنْصَارِ، وَلَوْ سَلَكَ النَّاسُ فِي وَادٍ أَوْ شِعْبٍ وَسَلَكَ الْأَنْصَارُ وَادِيًا أَوْ شِعْبًا، لَسَلَكَتُ فِي وَادِي الْأَنْصَارِ وَشِعْبِهِمْ» (21).
- «اگر انصار وارد وادی و دره‌ای بشوند، من همان دره انصار را در پیش خواهم گرفت و اگر هجرت نمی بود، من فردی از انصار بودم» (6).
- دعای آمرزش توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) برای خانواده‌های انصار: شکی نیست که دعای پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) مستجاب و پذیرفته شده است. پس انصار با کسب این فضیلت، هدایت و رستگار گردیدند. از زید بن ارقم (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «بار خدایا، انصار و فرزندان انصار و فرزندان انصار و زنان انصار را بیامر» (6).
- توصیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) نسبت به نیکی کردن با انصار و ناراحت نکردن آنها: انصار جهاد بزرگی در راه حق کردند و کار بزرگی در نشر دین و دفاع از آن انجام دادند که هیچ گاه تنگدستی و ثروتمندی، آنها را از خروج در راه خدا باز نداشت و خداوند این عمل با ارزش آنها را در کلام خود ثبت نموده و فرموده است:
- (لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ) (توبه، 117).
- «خداوند توبه پیغمبر و توبه مهاجرین و انصار را پذیرفت؛ مهاجرین و انصاری که در روزگار سختی از پیغمبر پیروی کردند، بعد از آنکه دل‌های دسته‌ای از آنان اندکی مانده بود که منحرف شود، باز هم خداوند توبه آنان را پذیرفت؛ چرا که او بسیار رؤوف و مهربان است.»
- از این رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) توصیه نمود که با افراد نیکوکار انصار به نیکی رفتار شود و از بدکار آنها گذشت شود و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از ترسانیدن و پریشان ساختن انصار بر حذر داشت و توصیه نمود که با آنها به خوبی رفتار شود (7).

نتیجه گیری

از خلال مقاله هذا نتایج آتی را میتوان بدست آورد:

- ❖ چیزی که میتواند انسانهای یک جامعه را با وجود همه تفاوتها روی یک محور جمع نماید، عقیده اسلامی است.
- ❖ ایثار وفداکاری، محبت و صمیمیت، تأمین عدالت اجتماعی و خیرخواهی و همکاری، پایه های جامعه مدنی اسلامی را بیشتر از پیش استحکام می بخشد.
- ❖ امت اسلامی که حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) رهبری آنها به عهده داشت، به هدف قیادت بشریت به میان آمده بود؛ و این مآل تازمانی متحقق نخواهد بود که امت امروز، ممثل واقعی ارزشهای اعضای جامعه مدنی عصر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در مدینه نبوده باشند.

- ❖ قیادت ورهبری در جامعه نقش اساسی دارد، پس هر جامعه ی که قله های بلند تمدن و تعالی وارزشهای زنده گی را تسخیر کرده اند، مرهون قیادت سالم ومخلص شان بوده است .
- ❖ رهایی جوامع اسلامی از قید و بند واهی دیگران زمانی ممکن است که اقلا یکبار ایجاد یک جامعه مدنی اسلامی را تجربه نمایند.

فهرست مآخذ

1. قرآنکریم.
2. الأصبحي، مالك بن أنس بن مالك بن عامر المدني. (1425 هـ - 2004 م). الموطأ. ج5. أبو ظبي: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والإنسانية. الطبعة الأولى. ص: 1388.
3. البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي. (1422 هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري. ج4. دار طوق النجاة. الطبعة الأولى. ص: 209.
4. البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي. (1422 هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري. ج3. دار طوق النجاة. الطبعة الأولى. ص: 104.
5. البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي. (1422 هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري. ج1. دار طوق النجاة. الطبعة الأولى. ص: 12.
6. البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي. (1422 هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري. ج5. دار طوق النجاة. الطبعة الأولى. ص: 32، 35.
7. البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي. (1422 هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري. ج6. دار طوق النجاة. الطبعة الأولى. ص: 112.
8. البر ، عبدالرحمن. (1418 هـ 1997 م). الهجرة النبوية المباركة. مصر: دار الكلمة. الطبعة الاولى. ص : 131-135، 150، 151.
9. البوطي، محمد سعيد رمضان. (1991 م). فقه السيرة للبوطي. دمشق: دار الفكر. الطبعة الحادية عشرة. ص: 211-212، 156.
10. جزولي، احزمي سامعون. (1417 هـ - 1996 م). الهجرة في القرآن الكريم. الرياض: مكتبة الرشد. الطبعة الاولى. ص: 411.
11. الحميدي، عبدالعزيز. (1418 هـ - 1997 م). التاريخ الاسلامي مواقف و عبر. ج4. الاسكندرية: دارالدعوة. الطبعة الاولى. ص : 30.
12. الشيباني، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد. (1421 هـ - 2001 م). مسند الإمام أحمد بن حنبل. ج2. مؤسسة الرسالة. الطبعة الأولى. ص: 501.
13. الشيباني، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد. (1421 هـ - 2001 م). مسند الإمام أحمد بن حنبل. ج6. مؤسسة الرسالة. الطبعة الأولى. ص: 257، 154،

14. العبد، محمد. (1999 م). الطريق الى المدينة، عمان : دار الجوهرة. الطبعة الثانية. ص: 100-101.
15. عرجون، محمد الصادق. (1995). محمد رسول الله. دار القلم، الطبعة الثانية. ج3. ص: 129.
16. قطب ، سيد . (1400 هـ - 1980 م). في ظلال القرآن. ج2. بيروت : دار الشروق. الطبعة التاسعة. ص: 911.
17. ابن بطل، أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك. (1423 هـ - 2003 م). شرح صحيح البخاري لابن بطل. ج9. الرياض: مكتبة الرشد. الطبعة الثانية. ص: 269.
18. العيني، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفى بدر الدين. (?). عمدة القاري شرح صحيح البخاري. ج12. بيروت: دار إحياء التراث العربي. ص: 288.
19. الهروي، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا القاري. (1422 هـ - 2002 م). مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح. ج8. بيروت: دار الفكر. الطبعة الأولى. ص: 3137.
20. الصنعاني، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، الكحلاني ثم ، أبو إبراهيم، عز الدين. (1433 هـ - 2012 م). التَّحْبِيرُ لِإِيضَاحِ مَعَانِي التَّيْسِيرِ. ج6. الرياض: مَكْتَبَةُ الرُّشْدِ. الطبعة الأولى. ص: 539.
21. البصري، معمر بن أبي عمرو راشد الأزدي مولاهم، أبو عروة ، نزيل اليمن. (1403 هـ). الجامع (منشور كملحق بمصنف عبد الرزاق). ج11. المجلس العلمي بباكستان، وتوزيع المكتب الإسلامي ببيروت. الطبعة الثانية. ص: 200.
22. الشيباني، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد. (1403 - 1983). فضائل الصحابة. ج2. بيروت: مؤسسة الرسالة. الطبعة الأولى. ص: 801.